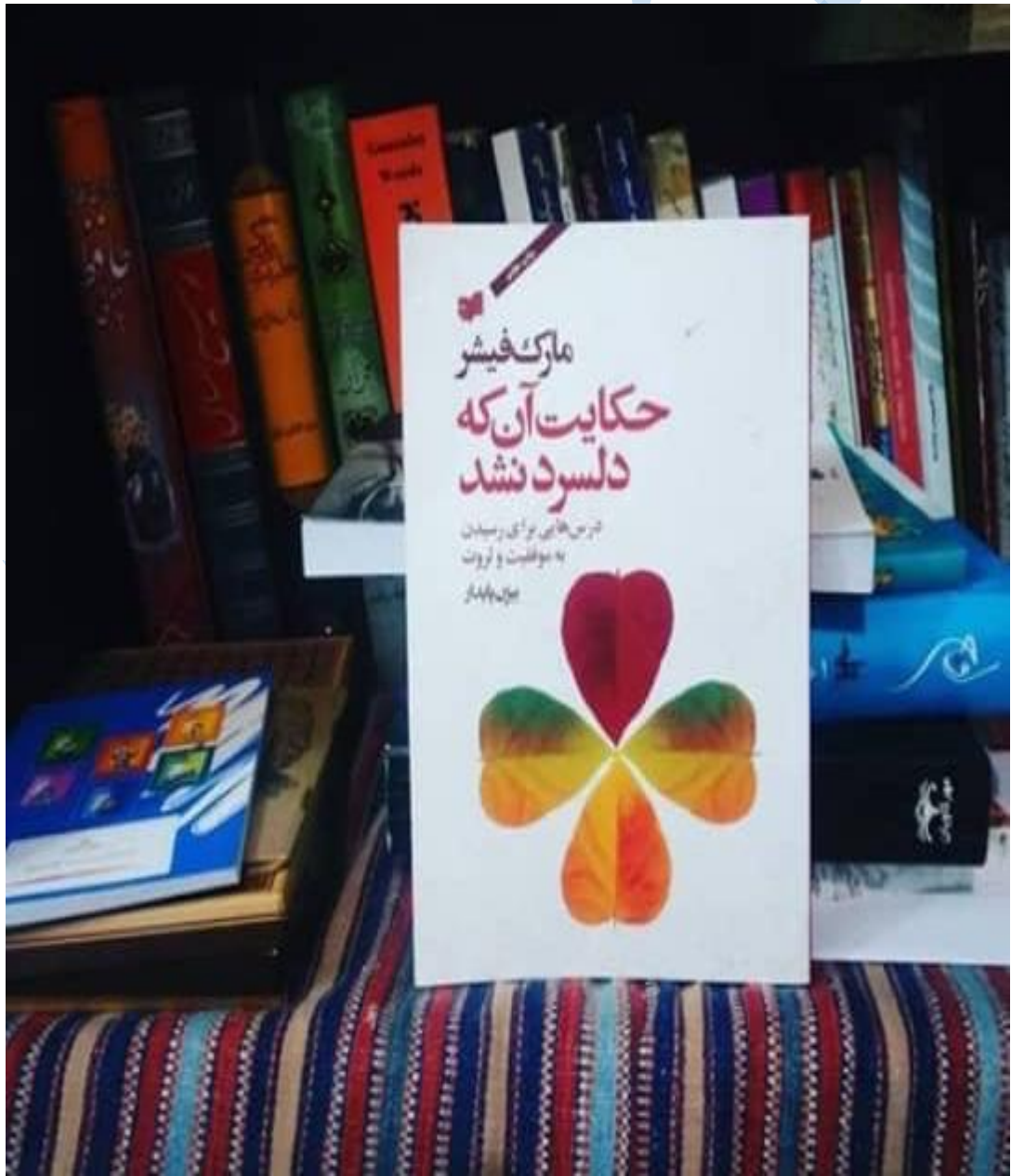


کتابخانه



بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب: حکایت آنکه دلسرد نشد

نوشته: مارک فیشر،

۲۱۲ صفحه،

شامل ۲۵ فصل

کتاب تقریباً حالت رمان دارد، داستان مرد جوانی است به نام "جان" که در یک شرکت تبلیغاتی کار می‌کند ولی از زندگی اش لذت نمی‌برد احساس می‌کند دچار روزمرگی شده و اگر هر چه زودتر فکری نکند دیر خواهد شد، قدرت خلاقیت خود را از دست می‌دهد.

او آرزو داشت شرکت تبلیغاتی خودش را تاسیس کند و یا یک فیلمنامه بنویسد. اما شجاعت رفتن دنبال این کارها را نداشت. پیش‌عمویش می‌رود تا از او کمک بگیرد و عمو او را به پیرمرد و

اولین دیدار، جان وارد عمارت باشکوه می‌شود چشمش به باغبانی می‌افتد که با عشق مشغول رسیدگی به بوته‌های گل سرخ است، با او هم صحبت می‌شود و همینطور که محو صحبت‌های

حکیمانه اوست خدمتکار پیش‌آنها می‌آید و جان متوجه می‌شود باغبان همان میلیونر مورد نظر است. پیرمرد که تحیر جان را می‌بیند به او می‌گوید این یک ذره از توانمندیهای من بوده، بشر قدرت نامحدود دارد.

پیرمرد معنوی در هر ملاقات معماهایی برایش طرح می‌کند و درسی به او می‌دهد و هدایتگرش می‌شود. در طول داستان این جوان بارها شکست می‌خورد حتی به پای مرگ می‌رسد ولی با درس‌هایی که از پیرمرد آموخته بلند می‌شود و دوباره شروع می‌کند.

در یکی از ملاقات‌ها پیرمرد ۲ بوته گل سرخ را به جان نشان می‌دهد یکی دارای ۱۰، ۱۲ غنچه و بوته دیگر فقط یک گل سرخ بزرگ و زیبا، او می‌گوید در این بوته هم غنچه‌های دیگری بوده ما آنها را برداشتیم تا این خوب رشد کند. ما هم در زندگی برنامه‌ها و اهداف زیادی داریم ولی باید روی اهداف اصلی متمرکز شویم. تمرکز یعنی همه افکارت، تمامی عواطف، انرژی و نیروهای درونی‌ات را در مسیر یک هدف واحد جهت دهی.

یکی دیگر از درس‌ها، گاهی وسوسه می‌شوی و کمی از راه منحرف می‌شوی چون چسبیدن به نقشه زندگی بسیار سخت است. هر وقت احساس بدبختی کردی به درون بنگر و از راهبر وجودی خودت راهنمایی بخواه و منتظر جواب شو در این حین کاری مثبت برای شخص دیگر بکن و به یک نفر کمک کن. اینجاست که به تعالی می‌رسی و برای آینده خودت سعادت فراهم خواهی کرد، درست مثل کشاورزی که برای زمستان در تابستان گندم ذخیره می‌کند.

اگر آدمی هستی که زود دلسرد می‌شوی، فکر می‌کنی از زندگی لذت نمی‌بری، به دنبال انگیزه هستی، خواندن این کتاب را به شما توصیه می‌کنم.